

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نکاتی از سخن رانی پنجشنبه، ۸ تیر ۱۳۹۴

### آیه مورد بحث

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»

#### اثرپذیری روح نوزاد از محیط اطراف خود

اغلب مردم اعتقاد دارند که تقوی به این معنی است که شخص ظاهرالصلاح باشد. به عنوان مثال موی سرش بلند نباشد و موی صورتش کوتاه نباشد و پیراهن خود را روی شلوار بیندازد. این تصورات عوامانه توسط دشمنان اسلام بین مؤمنین منتشر می‌شود تا ذهن آن‌ها از حقیقت این الفاظ دور نگه داشته شود. انسان در بدو تولد دو بعد وجودی دارد. بعد اول، بعد نقدینه و قوای مادی طبیعی و حیوانی او است. حواس ظاهری او که ابتدا ضعیف است به تدریج تقویت می‌شود. با تقویت شدن حواس ظاهری، قوای حیوانی هم که خدای متعال در انسان خلق کرده است، تقویت می‌شود. عده‌ای از دانشمندان در حدود شصت-هفتاد سال قبل عقیده داشتند که در نوزاد حرکاتی وجود دارد که نمایانگر وجود غریزه‌ی جنسی به صورت ضعیف در او است.

اما قوای معنوی و انسانی در ابتدا در طفل وجود ندارد و تدریجا به وجود می‌آید. این قوا بایستی تقویت شود و تقویت آن هم به محیط پرورش او بستگی دارد. نوزادان متفاوت هستند و معمولا بعد از حدود ده-پانزده روز چشم آن‌ها محیط اطراف خود را می‌بیند. یعنی صور اشیاء را در خود منعکس و تفاوت بین اشکال را احساس می‌کند. بعد از دو سه ماه این کودک بین چهره‌ی مادر خود و چهره‌های دیگر فرق می‌گذارد. اگر چشم این نوزاد صور نامطلوبی مثل تصویر یک انسان کاملا عریان را ببیند، کیفیت آن صور مکروهه و خلاف ادب انسانی را تشخیص می‌دهد، اما کراهت آن را تشخیص نمی‌دهد. این باب بسیار مفصل است و اهل فن در این زمینه کتاب‌های مختلفی نوشته‌اند. نتیجه این است که اگر می‌خواهید در حافظه‌ی فرزند شما صورت‌های مکروهه و خلاف ادب وارد نشود، این تصاویر را جلوی چشم او نیاورید.

حضرت صادق صلوات الله علیه می‌فرماید که اذهان فرزندان خود را از صور حسنه پر کنید قبل از این که دشمنان شما اذهان آن‌ها را از صور قبیحه پر کنند. یکی از قوای باطنی انسان، ذهن انسان است که هم معانی و هم صور را ضبط می‌کند. در کودکان ملاحظه می‌شود که تعداد کمی از الفاظ و لغات را به سرعت حفظ می‌شود، اما هنگامی که تعداد این لغات زیاد می‌شود، حفظ و نگهداری آن بیشتر نیرو می‌خواهد و به تکرار بیشتری نیاز دارد. با زیاد شدن تعداد لغات، ناتوانی او در حفظ کردن ظاهر می‌شود.

دانشمندان غیر مسلمان در زمینه‌ی علوم طبیعی، انگیزه‌های برای دروغ گفتن در همه‌ی موارد ندارند، بلکه در موارد خاصی دروغ می‌گویند. اگر به جای لغات کریهه و زشت، لغات خوب در حافظه‌ی طفل وارد شود، همان لغات خوب را پس می‌دهد. این وضعیت مشابه انعکاس صدا در زیر گنبد مسجد شاه اصفهان است. ذهن کودک هر نوع و هر کیفیتی از لغات که به آن ارائه شود را انعکاس می‌دهد، بدون این که زشتی و زیبایی آن لغات را درک کند. کودک

زشتی لغات را هنگامی می‌فهمد که مادر او عکس‌العمل منفی نشان می‌دهد و او را از به زبان آوردن آن الفاظ زشت نهی می‌کند.

### تقوا آخرین هدف در خلقت انسانیت

مردم نوعاً نمی‌فهمند که معنای تقوا چیست. اگر شیعیان معنی تقوا را آن طوری که در روایات وارد شده است بفهمند هیچگاه حاضر نخواهند شد که حتی یک لغت زشت از دهان طفل یک ساله‌ی آن‌ها خارج شود. زیرا می‌دانند که این طفل مثل ضبط صوت صداها را ضبط می‌کند. اگر در این ضبط صوت یک لغت زشت وارد شود، جای یک لغت خوب را تنگ می‌کند. اگر ذهن خالی باشد دو بار شنیدن لغت خوب، آن‌را در حافظه جای می‌دهد. اما اگر جای آن پر باشد، ده مرتبه شنیدن هم موجب حفظ آن نمی‌شود و زحمت مربی را چندین برابر می‌کند. گاهی والدین از این وضعیت خسته می‌شوند و کودک را رها می‌کنند.

هنگامی که کودک زبان باز کند، از راه زبان همان بدها تجلی می‌کند. مصرف این بدها آن وقتی است که قوه‌ی غضبیه یعنی قوه‌ی خشم انسان بروز می‌کند. کودک برای اشیاع این خشم، آن لغات زشت را به زبان می‌آورد تا خود را تخلیه کند، اما نمی‌فهمد که معنی این لغات چیست.

تقوا و طهارت روح و ادب بالاترین خواسته‌ای است که حق تعالی از بندگان خود دارد. بنابراین بندگان برای تربیت فرزندان خود باید از آموزش لغات زیبا شروع کنند. هر چه حجم مطالب حفظ کردنی بیشتر باشد، حفظ کردن آن به تکرار و زمان بیشتری نیاز دارد. به عنوان مثال حفظ کردن سوره‌ی از قرآن که ده آیه دارد پنج دقیقه زمان می‌برد، اما حفظ سوره‌ای که پنجاه آیه دارد پنج ساعت طول می‌کشد.

خدای متعال مایل است و می‌خواهد که در بندگان او نیروی بازدارنده‌ی از رذائل به نام تقوا به وجود بیاید که اگر فضای زندگی او تغییر کرد و با حرف بد یا نوشته‌ی بدی مواجه شد، فوراً در ذهن او ثبت نشود. رذائل اخلاقی و اخلاق زشت مانع از پذیرش الفاظ و معانی و مکسوبات خوب می‌شود. هر چه این رذائل در وجود انسان کمتر باشد پاکیزه شدن روحیه‌ی فرد سریع‌تر میسر می‌شود. آموزش دادن یک کودک روستایی که به غیر از روستای خود جای دیگری را ندیده و ذهن او خالی است، بسیار ساده‌تر از آموزش کودکی است که در محله‌ای با محیط نامناسب بزرگ شده و ذهن او از مطالب بد پر شده است.

### ارتباط روزه با تقوا

خدای متعال از ما تقوا می‌خواهد و نسخه‌ای که به ما داده، روزه است. روزه گرفتن انسان‌ساز است و در نتیجه‌ی آن در باطن انسان نیروی بازدارنده‌ی از رذائل به وجود می‌آید. اثر این نیروی بازدارنده این است که اگر انسان بخواهد حرف زشتی به زبان بیاورد، کمی تأمل می‌کند و نهایتاً این کار را رها می‌کند. ادب کردن کودکی که از ابتدا به رذائل آلوده شده باشد، برای مربی بسیار مشکل است، زیرا ظرف وجود او را پر کرده‌اند. حضرت صادق صلوات الله علیه فرمودند که اذهان و روح کودکان خود را از فضائل و خوبی‌ها پر کنید قبل از این که دیگران آن‌را از رذائل پر کنند.

"لعل" که در آخر آیه‌ی شریفه است برای این است که انسان‌ها مختلف هستند و ظرف وجود بعضی‌ها از چیزهای نامطلوب پر شده است. در این شرایط امید کمتری به ادب شدن فرد وجود دارد. ادب شدن و تربیت شدن انسان و تقوا پیدا کردن فرد یعنی انسان نیرویی بازدارنده پیدا کند که این نیرو او را از خیال زشت، گفتار زشت، نوشتن

زشت، عملکرد و کارهای فیزیکی کردن زشت، مثل کتک زدن مردم بازدارد و این رذائل دیرتر وارد وجود او شود. انسان باید اول وجود خود را از رذایل پاک کند. گاهی این پاک کردن دو ماه تلاش در رجب و شعبان نیاز دارد. گاهی با یک سال تلاش این امر محقق می‌شود. تا به تدریج انسان به جایی برسد که برای او ماه مبارک مفهوم واقعی پیدا کند و مفاهیم دعا‌های این ماه را درک کند. ذهن پر از هجویات از خواندن تمام مفاتیح بهره نمی‌برد. مثل این که در یک ظرف پر از آب دوباره آب بریزیم. اگر فرصت کنید و پرونده‌ی ده تا ماه رمضان خود را بررسی کنید می‌بینید که هیچ فرقی نکرده‌اید، زیرا از اول کاسه‌ی ذهن و روح پر بوده است.

### تأثیر گذاری فرمایشات رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در روح‌های پاک

در صدر اسلام رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بالای کوه حرا تشریف برد و به مردم فرمود: "ایها الناس قولوا لا اله الا الله تفلحوا". این جمله یک برهان کامل است. آن حضرت مردم را به گفتن جمله‌ای دعوت می‌کند که گفتن آن برای گوینده خیر دارد. این خیری که حضرت آموزش داده است را بعضی از مردم زود یاد می‌گیرند و بعضی‌ها هم تا چند سال یاد نمی‌گیرند. آن‌هایی که تا چند سال یاد نگرفتند، همان پیرمردهای رئوس منافقین بودند که قبلاً ذهن و روح خود را از رذائل پر کرده بودند. اما آن کسی که مثل یک روستایی ذهنی خالی از رذائل داشت، مثلاً یک شترچران بود، با شنیدن الفاظ خوب توحید و اسلام فوراً پذیرفت.

ذهن بلال حبشی خالی بود. او پس در یمن شتر چران بود و حضرت و معجزات حضرت را ندیده بود، اما وقتی که این چند کلمه را شنید مثل این که سال‌ها در کنار این بزرگوار بوده است. همه‌ی مطالب خوب را یاد گرفته و بدها را یاد نگرفته بود. جنس او با سایرین فرق نداشت، بلکه ظرفیت وجودی‌اش فرق داشت. باید بسیار زحمت کشید تا ظرف پر را خالی کرد و کف آن را هم شست تا صلاحیت ریختن چیز دیگری را داشته باشد. او پس با فرد دیگری غیر از مادرش و شترهایش برخورد نداشت و با شنیدن جملاتی، روی آن فکر کرد و آن را تایید کرد. او فلاح و رستگاری خود را می‌خواست و آن بزرگوار هم راه رستگاری را نشان می‌داد و می‌فرمود که مفهوم این جمله را در قلب و دل و مغز خود بگذارید. او پس همین کار را کرد و بهترین شد.

پس دلیل بر این که ماه مبارک رمضان‌های گذشته در من هیچ اثر نکرده، این است که من با یک ظرفیت مناسب مساعد و روح طیب و طاهر و پاکیزه خود را در برابر یک مری قرار نداده‌ام که یاد بگیرم. مطالبی که انسان با شرکت کردن در یک جلسه‌ی یک ساعته در هفته فرامی‌گیرد، قابل مقایسه با حجم مطالبی نیست که در طول هفته از کانال گوش یا چشم وارد روح او می‌شود. بنابراین نباید توقع داشته باشیم که این جلسه‌ی یک ساعته ما را مشابه او پس قرن متحول کند. در تابستان، سنگ داغ گرم شده‌ی از حرارت خورشید را روی سینه‌ی لخت بلال حبشی می‌گذاشتند و آن سنگ را با پتک خرد می‌کردند تا او از عقیده‌ی خود دست بردارد.

### تلاش دشمنان برای نفوذ به خانه‌ها و آلوده کردن روح جوانان

بعد از چند سال ما به تدریج می‌خواهیم بفهمیم که این موبایل‌ها چه خاصیتی برای مخترع آن دارد و امکان ورود چه مفاسدی به خانه‌های ما با استفاده از آن فراهم می‌شود. از دشمن اسلام، دشمن خدای متعال و دشمن پیامبر غیر از این توقعی نیست. آن‌ها در ابتدا اهداف و برنامه‌های خود در سال‌های بعد را مطرح نمی‌کنند. رذائل اخلاقی تقویت شده در یک فرد سی ساله به سادگی با تلاش اطرافیان او برطرف نمی‌شود. ما چشمان خود را بسته‌ایم، در

جیب و گوش و دل خود را باز کرده‌ایم و دشمن هم هر چه خواسته در این دل گذاشته و آن را پر کرده است. البته شمشیر امام زمان صلوات الله علیه همه را خالی می‌کند.

ما نمی‌توانیم با بچه‌های خود به گونه‌ای مطلوب حرف بزنیم، زیرا قبل از این که وجود و روح آن‌ها از ادراکات و عقل سالم پر شود این روحیه از چیزهای دیگر پر می‌شود و فضای خالی ندارد. آن راه‌های اصلی و اساسی زندگی یک انسان موحد خداپرست از پیش پای ما برداشته شده است. اگر می‌فهمیدیم که به این جا رسیده‌ایم از حضرت تقاضا می‌کردیم که گردن ما را بزند که وضعیت از این بدتر نشود.

اسلام نسبت به جوان‌ها خیلی سفارش کرده است، زیرا دل آن‌ها خالی و آماده و تمیز است. هنوز فضای دل فضای تاریک نشده است. لذا باید آن‌ها را به کلاس‌هایی برد که خمیرمایه‌ی خود را از کلاس‌های انسانی الهی بگیرند. بعد از آن، هرچه دشمنان انسانیت روی آن اشغال بریزند خیلی موفق نیستند. البته این زمان با زمان هزار و چهارصد سال پیش متفاوت است. در آن زمان پیرمرد صد و پنجاه ساله خدمت آن بزرگوار رسید و عرض کرد من از دور فرمایشات شما را شنیده‌ام، مطالب خود را به من عرضه فرمایید.

در کتب تاریخی شرح حال حضرت سلمان سلام الله علیه آمده است که چقدر در دنیا جستجو کرد. این مرد ده مرتبه خود را به تجار فروخت و غلام آن‌ها شد. خواسته‌ی او این بود که در عوض او را به کشورهای مختلف ببرند و خوراک او را تامین کنند تا گمشده‌ی خود را بیابد. از غرب به جزیره‌العرب می‌رود و حضرت را پیدا می‌کند. در مدت کوتاهی انسانی می‌شود که نوشته‌اند که قلب مقدسش آینه‌ی همه‌ی منایا بود. هر کسی هر خوابی می‌دید، اگر خوابش تعبیر دار بود فوراً واقع آن را می‌گفت. کلاس درس هم ندیده بود. کلاس او همان کلماتی بود که از مقام رسالت و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما شنیده بود.

اگر در مغز فرزندان ما تا شش-هفت سالگی همه جور نادرست وارد شد و امکان اصلاح آن در آینده فراهم نشد نباید تعجب کنیم. باید بدانیم که ذهن پر شده از این مطالب، با نشستن در کلاس درس، آمادگی فراگیری نکات دیگر را ندارد.